روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۲۱ اسفند ۱۳۹۷ • ۵ رجب ۱۴۴۰ • ۱۲ مارس ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۸۸ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۷ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۵ • طلوع آفتاب ۶:۱۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

توصیه‌هایی برای پدر و مادران آماتور-۶

چطوری بارتان را بدارید؟

● **پوریا عالمی:** امروز یک توصیه کلی داریم و آن این است که به توصیه‌هایی که به شما در زمان بارداری می‌شود توجه نکنید. چندتا مثال هم می‌زنم که گوشه قضیه باز نماند:

- اطرافیان شما ممکن است با شما یک‌طوری برخورد کنند که سرتان را بزنید به دیوار؛ یعنی تا تکان بخورید، چهارنفر از جا می‌پرند که شما نیفتید! همین حرکت آنها احتمال خوردن شما به دیوار را بالا می‌برد.

- توی خانه و محل کار که جا زیاد است، همه هی بلند می‌شوند شما بنشینید، اما توی مترو و اتوبوس هیچ‌کس برایتان تره هم خرد نمی‌کند.

- مدام هی به شما می‌گویند گوجه را با پرتقال بخورید، بچه‌تان هلو می‌شود یا آب جوش را با خیارشور بخورید، بچه‌تان کدو نمی‌شود! اصلا به هر حرف اینها گوش نکنید! دانشمندان جزوه‌شان را پاره کردند و نهایتا خربزه را به آناناس و هلو را به انجیر پیوند دادند! مطمئن باشید پیوندزدن میوه به انسان امکان ندارد! اگر هم شدنی باشد، حتما بادمجان و انار و خیار و هلو را برای پیوندزدن با انسان، نباید شما بخورید؛ باید این میوه‌ها را به خودتان قلمه بزنید.

- یک‌سری از شما می‌خواهند ورزش کنید به نفع بچه است، یک‌سری ازتان می‌خواهند جنب نخورید به نفع بچه است. یادتان باشد، چه ورزش کنید، چه نرمش کنید، چه وول بخورید، چه دراز شوید، بچه کار خودش را می‌کند. شما کاری هم اگر می‌کنید برای خودتان و سلامتی خودتان خوب و بد است، الکی گردن بچه نیندازید.

- ممکن است شما اهل هیچی نباشید، اما اطرافیان شما به شما هی بگویند در دوران بارداری سیگار نکشید و نوشابه آغشته به کشفیات رازی نخورید! اینها ممکن است این‌قدر اصرار کنند که شما از دست این دانشمندان، مجبور شوید اولین سیگار عمرتان را روشن کنید تا بتوانید بعد ترکش کنید! دقت کنید.

- ایرانیان از باهوش‌ترین گونه‌های زیست در جهان هستند، برای همین اگر بدانند باردارید، صدتا توصیه می‌کنند که چطوری بارتان را بدارید! اگر هم بگویید باردار نیستید، صدتا توصیه می‌کنند چطوری باردار شوید.

- به‌هرحال یک ایرانی اصیل تا آخرین نفس به دیگران توصیه می‌کند و یک ایرانی اصیل‌تر تا آخرین لحظه به هر حرف هیچ ایرانی دانشمندی جز خودش گوش نمی‌کند!

...

میدون و سوفیا (پدر و مادر توصیه ایران)

کارتون خواب

اوسمانی سیمانکا

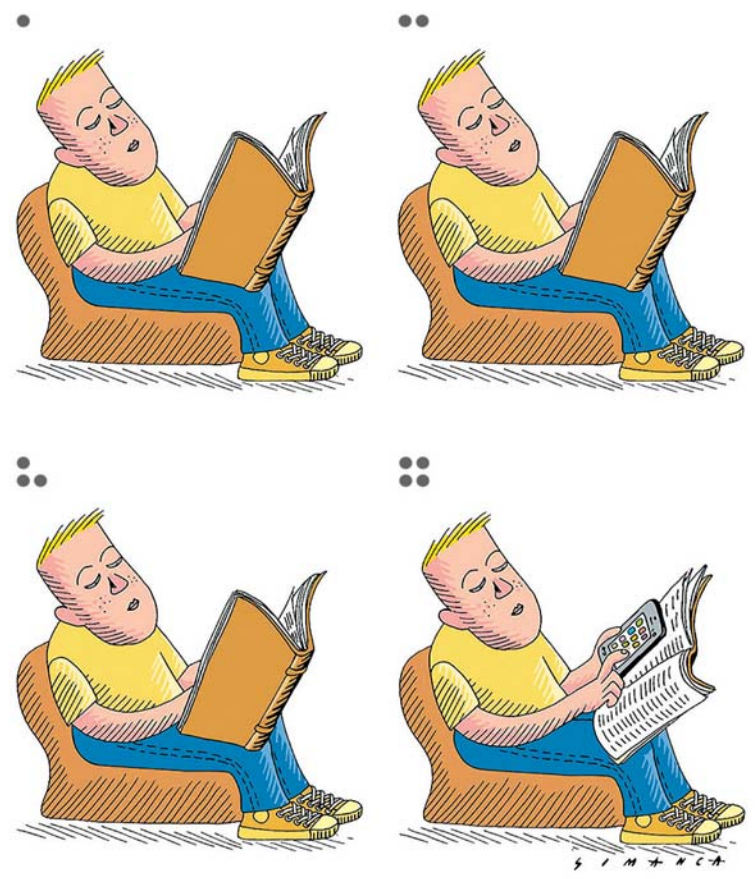

یادداشت

... دریغ از پارسال

بهمن کشاورز
حقوق‌دان

۱- گفته شده است قانون آیین دادرسی کیفری هر کشور میزان احترام به قانون‌گرایی و حقوق مردم در آن کشور را نشان می‌دهد و این اصولا سخنی درست و بجا است. ما سال‌هایی طولانی قانون آیین دادرسی کیفری‌ای داشتیم که مربوط به قریب به صد سال پیش بود و البته بارها بر حسب ضرورت آن را اصلاح کرده بودند. به‌هرحال در این قانون حق دفاع متهم رعایت شده بود و حتی به موجب ماده ۱۱۲ آن، این حق در مرحله تحقیق نیز -که جنبه محرمانه داشت- وجود داشت. با تصویب قانون اساسی و اصل ۳۵ آن پس از پیروزی انقلاب این اطمینان قطعی حاصل شد که حق دفاع به نحو کامل محفوظ خواهد ماند و متهم خواهد توانست در کلیه مراحل دادرسی کیفری از خدمات وکیل مدافع استفاده کند.

۲- این پندار دلایل موجهی داشت اما این حق بلافاصله بعد از انقلاب دچار چالش‌هایی شد که بسیار گفته و نوشته‌ایم و نیازی به تکرار آن نیست. به‌هرحال در سال‌های متصل به لازم‌الاجراشدن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (اصلاحی سال ۱۳۹۴) این حق شناخته شد و با قیود و محدودیت‌هایی اجرا می‌شد.

۳- وقتی پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را دیدیم، بسیار خوشحال و امیدوار شدیم و حتی پیشاپیش در مدت قریب به هشت سالی که مراحل تدوین و تصویب آن ادامه داشت، به تحسین و تمجید آن پرداختیم. حق این است که بگوییم در این قانون مقررات پیشرفته بسیاری وجود داشت و دارد.

۴- رویداد جالب و بی‌سابقه‌ای در مورد این قانون رخ داد که پیش از آن هرگز در نظام قانون‌گذاری ما سابقه نداشت و آن اینکه قانون پس از تصویب و در مراحل تقنین و پیش از شروع به اجرا در معرض اصلاح قرار گرفت و به این عنوان که زیرساخت‌های اجرای آن فراهم نیست، به مدت دو سال در آن تغییراتی داده شد و بالاخره در ۱۳۹۴ امکان اجرا یافت.

۵- در قانون آیین دادرسی کیفری جدید سه مرحله داریم: مرحله تحت نظر قرارگفتن متهم، مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله رسیدگی ماهیتی. در خصوص حق دفاع متهم در این مراحل اتفاق عجیبی رخ داد که ایضا بی‌سابقه و مایه شگفتی و تأسف بود و هست. تبصره ماده ۴۸ این قانون مقرر داشته است در مرحله تحت نظر قرارگرفتن، فرد می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند. تا اینجای قضیه مترقی و عالی است. اما تبصره ماده مقرر داشته در جرم‌های امنیتی یا سازمان‌یافته که مجازات‌های آنها اعدام، حبس ابد یا حبس درجه سه و بالاتر از آن باشد، فقط وکیلی می‌تواند به متهم کمک کند که مورد تأیید ریاست قوه قضائیه باشد و اسامی این‌گونه وکلا را رئیس قوه قضائیه اعلام خواهد کرد. تعداد این وکلا تا آنجا که ما می‌دانیم ۲۱ نفر از ۵۰ هزار وکیل ایران است. توجه شود که این ۵۰ هزار وکیل از فیلترها و صافی‌های مختلف گذشته‌اند و بسیاری از آنها کارمندان سابق سازمان‌های نظامی، انتظامی، امنیتی و قضائی هستند.

۶- وکلا و کانون‌های وکلا مشغول بحث و فحص با مجلس و مسئولان برای اصلاح تبصره ماده ۴۸ بودند که خبر رسید طرح اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری از طرف تعدادی قریب به ۳۰ نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم و اعلام وصول شده است. البته این خود نوعی رکوردزدن است که قانونی ظرف سه سال از اجرا به اصلاح سوم برسد! با بررسی این قانون به مسائلی برمی‌خوریم که از جهات مثبت و منفی قابل بحث و البته این بحث از حوصله این مقال بیرون است، اما درباره حق دفاع که موضوع این مختصر است، دیگربار اتفاق جالبی افتاده است.

۷- درحالی‌که کانون‌های وکلا به تلاش برای «برداشتن زیر ابروی» تبصره ماده ۴۸ مشغول بودند، ظاهرا تقدیم‌کنندگان محترم طرح ترجیح داده‌اند که «چشم آن را کور کنند». در ماده ۲ طرح اصلاحی ماده ۴۸ و تبصره آن اصلاح شده و مقرر شده است که متهمان در پرونده‌هایی که موضوع آن جرائم سازمان‌یافته با مجازات سلب حیات و حبس ابد یا جرم امنیتی و تروریستی موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم باشد، صرفا با اجازه مقام قضائی حق استفاده از وکیل خواهند داشت و در این طرح ماده ۱۹۰ قانون نیز که به مرحله تحقیقات مقدماتی مربوط است به نحوی اصلاح شده که به‌طور صریح به تسری حکم ماده ۴۸ به آن دلالت دارد، بنابراین حق دفاع متهم در مرحله تحت‌نظربودن و تحقیقات مقدماتی کاملا متزلزل است. توضیح اینکه اگر به علتی دادسرا گمان برد که حضور وکیل در این دو مرحله مناسب نیست، می‌تواند عنوان جرم را چنان مطرح کند که تبصره ماده ۴۸ اصلاحی شامل آن بشود و در نتیجه مقام قضائی (یعنی حسب مورد بازپرس یا دادیار تحقیق- که البته در این مورد این مقام بازپرس خواهد بود) به استناد تبصره ماده ۴۸ بتواند از حضور وکیل مدافع ممانعت کند که بسا در پایان تحقیقات نظر مقام قضائی این باشد که عمل ارتکابی مشمول تبصره نیست، اما در آن مرحله چنین تشخیصی خاصیت و فایده‌ای نخواهد داشت. با توجه به برخی نظریات غیر قابل قبول و غیر قابل دفاع که حسب مسموع درباره تسری محدودیت ناشی از تبصره ماده ۴۸ و ماده ۱۹۰ به مرحله رسیدگی ماهیتی وجود دارد، دور نیست که مقام قضائی خود را مخیر بداند که در رسیدگی ماهیتی در دادگاه نیز حق داشتن وکیل را از متهم سلب کند. همچنان که گفتیم این طرح نکات مثبت قابل بحثی هم دارد و برخی ابهامات را روشن می‌کند. والله اعلم.

پرنده آبی

ازدواج برای غذا

آکسفام گزارشی از دخترانی سه‌ساله که در یمن برای غذا ازدواج می‌کنند منتشر کرده است. یک هفته از این خبر می‌گذرد و ویدئوی این دختران بازتاب گسترده‌ای پیدا کرده است، اما هنوز هیچ نهاد دیگری مسئولیت صحت یا عدم صحت آن را برعهده نگرفته است. آکسفام از بزرگ‌ترین سازمان‌های بین‌المللی امدادرسانی برای ریشه‌کن‌کردن فقر، گرسنگی و بی‌عدالتی توسط ۱۵ سازمان در ۹۸ کشور از سال ۱۹۴۲ فعالیت خود را در دانشگاه آکسفورد آغاز کرده. کارشناسان می‌گویند اکنون نگرانی آن است که دختران جوان برای غذا ازدواج می‌کنند. تقابل تقریبا پنج‌ساله در یمن ده‌ها هزار نفر را کشته و ۱۲ میلیون نفر را در معرض گرسنگی قرار داده است. کارشناسان می‌گویند، به دلیل کمبود کلر حتی کمبود آب نیز به‌عنوان یک تهدید بزرگ جان انسان‌های ساکن یمن را در خطر قرار داده است. یک مسئول آکسفام گفته است: «زنان به‌شدت دچار کمبود مواد غذایی هستند و زنان اغلب کمترین غذا را در خانواده می‌خورند. این سوءتغذیه به‌ویژه برای ۷۵ هزار زن باردار یمنی که در معرض ابتلا به عوارض جدی در هنگام تولد هستند، مشکلات بسیاری را به دنبال داشته است. طبق گفته لامبرت، دختران نیز درگیر این قحطی هستند و به احتمال زیاد درگیر خشونت‌های جنسی نیز می‌شوند. این مسئول گفته است: «خانواده‌ها درحال‌حاضر هیچ پول و هیچ وسیله‌ای برای تهیه غذا و خوراک خود ندارند. این شرایط به مکانیسم‌های مقابله‌ای بسیار مضر نظیر تجاوز مردان مسن‌تر به دختران جوان برای اندکی آذوقه تبدیل شده و حتی مواردی از ازدواج دختران سه‌ساله گزارش شده است».

قصه‌های شهر

مرحمت فرموده ما را مس کنید!

گیتی صفرزاده

یادم هست بچه بودم و داشتم دزدکی حرف‌های افراد خانواده را درباره خواستگار یکی از اقوام می‌شنیدم. لابه‌لای حرف‌هایی که به عنوان ویژگی‌های خواستگار سمج ذکر می‌کردند، یک نفر گفت: دانشگاه رفته و لیسانس دارد. سکوت احترام‌آمیز بعد از این حرف هیچ‌وقت از خاطرم نمی‌رود. همان‌جا بود که متوجه شدم دانشگاه‌رفتن و مدرک لیسانس‌گرفتن کار مهمی است و اگر کسی به دریافت مدرک دکترا نائل می‌شد، یعنی دیگر به مراتبی بسیار والا دست پیدا کرده بود. اما از آن شگفت‌انگیزتر کسی بود که به جایگاه استادی می‌رسید، در نگاه من، علامه دهری بود که نه‌فقط توانسته بود خودش کسب دانش کند، بلکه دارای آن‌چنان خرد و توانایی خدای‌گونه‌ای بود که می‌توانست اطرافیان را هم به منبع فیض متصل کند. این‌طور تصور می‌کردم (و راستش از معدود تصورات دوران کودکی‌ام است که هنوز هم به آن پایبندم) که درخشش طلاگونه استاد نه‌فقط به این خاطر است که دانشش عمیق‌تر از ماست، بلکه به دلیل برخورداری از خردی است که می‌تواند خرده‌های پراکنده وجود و نگاه ما را شکل دهد و در مسیر درست خودمان بیندازد.

بزرگ‌تر که شدم، به دوران رقابت جدی آدم‌های اطرافم برای ورود به دانشگاه رسیدم؛ همان سال‌هایی که برای نشستن روی صندلی‌های معدود دانشگاه رقابت تنگاتنگی در جریان بود و کم‌کم هوشمندان بازار اقتصادی یاد گرفته بودند که با کلاس کنکور و جزوه و آموزش تست‌زنی، از این بازار داغ، پول به دست بیاورند. هم‌زمان دانشگاه آزاد اسلامی و نمونه‌هایی از دانشگاه‌های نیمه‌متمرکز و نامتمرکز و امثالهم راه افتاد تا دیگر هیچ‌کس رؤیای تحصیل نداشته باشد. همان‌طور که من قد می‌کشیدم، مدارک افراد جامعه هم قد می‌کشید، یعنی دیگر نه‌تنها لیسانس‌داشتن کار مهمی نبود، بلکه گرفتن فوق‌لیسانس هم یک عمل تفریحی که حالا دو سال دیگر از زندگی‌مان را این‌جوری پر کنیم، به حساب می‌آمد و در سال‌های اخیر بعد از پشت‌سرگذاشتن مرحله موفقیت‌آمیز تولید دارندگان مدرک فوق‌لیسانس، با گام‌های گشاده در حال خیزبرداشتن به مرحله تولید دکتر هستیم.

کور شوم اگر متوجه تغییرات زمانه و خوبی در دسترس‌بودن دانش و اطلاعات برای همگان نشوم، به دنبالش لال هم شوم اگر بخواهم انتقاد کنم از اینکه خوب است امکان تحصیل و کسب هر دانشی برای هرکسی در هر کجا و هر سنی فراهم باشد. اما ناخودآگاه سوی چشمانم کم می‌شود وقتی به خیل عظیم افرادی نگاه می‌کنم که با نام استاد در حال رویش هستند. مرحمتی کنیم و با دادن لقب استاد همدیگر را متوهم نکنیم چون لاجرم آنچه از کوزه برون تراود دامن همه‌مان را می‌گیرد.

روایت

رادمنشی، منش ایرانی

مریم حسینی: همه ما از دیدن تصاویری که نشانه کار خیر و کمک به دیگران یا دارای خلاقیت و تفکر است، شادمان می‌شویم. همه ما فکر می‌کنیم چقدر خوب که چنین آدم‌هایی را می‌بینیم که هستند و در حال تلاش‌اند و بی‌منت و بدون هرگونه اطلاع‌رسانی به دیگری می‌اندیشند. از اینکه هر آنچه دارند، در طبق اخلاص و بی‌هیچ انتظاری در اختیار دیگران قرار می‌دهند. اکنون پویش «رادمنشی» برگزار شده است. یک خانواده یک وکیل- فائزه طباطبایی- و یک پزشک -بیژن عابدین- به این نتیجه رسیدند که چه خوب می‌شد اگر از این آدم‌ها قدردانی شود. خودشان دیگر منتظر نشدند تا یکی از مسئولان یا نهادی به دنبال این کار برود و با داشته‌های‌شان پیش‌قدم شدند. یک صفحه اینستاگرام امکان ارتباط‌شان را با دنیای آدم‌های خوب برقرار کرد. یک فیلم کوتاه یک‌دقیقه‌ای منتشر کردند و از همه خواستند هر فرد نیکوکاری را که می‌شناسند، معرفی کنند. دی‌ماه این ایده را مطرح کردند و درخواست کردند تا آخر بهمن افراد مختلف معرفی شوند. به خواسته ایشان پاسخ مثبت داده شد. این‌گونه ۱۱۰ نفر معرفی شدند؛ ۱۱۰ نفر از گوشه و کنار ایران. برخی از این آدم‌ها را ما در شبکه‌های اجتماعی دیده‌ایم و ویدئوی فعالیت مهربانانه‌شان را منتشر یا لایک کرده‌ایم. حالا در مراسمی که برگزار شده بود و ۱۰ نفر از آنها از دیشموک، بندر انزلی، تبریز، گنبد و... به تهران آمدند و دور هم جمع شدند و لوح تقدیر «رادمنشی» و جایزه نقدی را دریافت کردند. هیئت داورانی که نه سلبریتی در آن بود و نه آدم مشهور؛ بلکه مردم عادی که خودشان ابراز علاقه کرده بودند؛ از نوجوان ۱۳ساله تا بانوی ۶۵ساله. به گفته برگزارکنندگان «تمام فرایند این انتخاب‌ها بدون ایجاد رقابت و مسابقه بود. تلاش شد تا اخلاقی‌ترین رفتار انتخاب شود، آن هم از کسانی که ناشناخته بودند، کارهای اخلاقی که جنبه ملی‌تر و مردمی‌تر داشتند؛ تا هم جامعه با این رفتارها آشناتر شود و هم این‌جور رفتارها گسترش یابد». درنهایت ضرغام خوبانی و شروین وفا و فاطمه عبدالعلی نفرات اول تا سوم در پویش رادمنشی شدند. خوبانی چوپانی بود از یاسوج که در هنگام چرانیدن گله‌اش، زباله‌های پلاستیکی رهاشده شهرنشینان را جمع‌آوری می‌کرد، شروین وفا معلم مدرسه کودکان استثنائی و مؤسس خیریه شروین بود که خودش کم‌تحرک بود و هدفش توانمندسازی خانواده‌های بی‌سرپرست، بدسرپرست و... بود، فاطمه عبدالعلی اولین مدرسه بیمارستانی را با عنوان مهرآئین تأسیس کرده است؛ اما برگزیدگان دیگری هم بودند. صیاد تقی‌پور همان معلم روستایی بود که دانش‌آموزان را برای رساندن به مدرسه از عرض رودخانه عبور می‌داد، صفورا غله‌زاری همان معلم بازنشسته در بندر انزلی که با جمع‌آوری کاغذهای باطله در شهر و فروش آنها کتابخانه می‌سازد، هاتف اسداللهی همان مرد جوانی بود که بعد از آتش‌سوزی جان خود را به خطر انداخت تا سگ‌ها را نجات دهد، سعید یاری با پرایدش در روزهای جمعه سرویس رایگان برای مراکز خیریه- سالمندان و... می‌شد و اکبر فتحی یک روز کامل در کنار دست‌فروش نشست و خطاطی کرد تا دست‌فروش اجناسش را بفروشد. او پویشی با عنوان شش میلیون خطاط هم راه انداخته است، جلیلوند سه‌تارسازی بود که سه عدد از سازهای دست‌ساز خود را به جوانی که در شرف ازدواج بود به‌عنوان کمک هدیه داد. این آدم‌ها از فضای مجازی به فضای واقعی رسیدند تا در کنار شعار رادمنشی منش ایرانیان است، الگویی برای دیگران باشند و رفتار اخلاقی و جوانمردانه بیشتر و بیشتر شود.